

چهره

غلامعلی رشید

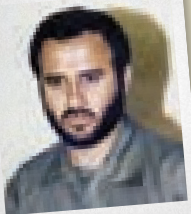
از فرماندهان ارشد سپاه در سال‌های جنگ

متولد: دزفول، ۱۳۳۲

سن در آغاز جنگ: ۲۷ سال

سابقه‌ی مبارزاتی و زندان در پیش از انقلاب داشت؛ در هفده سالگی. با گروه منصورون همکاری می‌کرد. پس از پیروزی انقلاب از بنیان‌گذاران سپاه دزفول بود. رشید، حسن باقری و رحیم صفوی پیش از آغاز فرماندهی محسن رضایی در سپاه یک تیم هماهنگ در ستاد جنگ جنوب تشکیل داده بودند. رشید می‌گوید: «امام می‌فرمودند اصل جنگیدن است و

این سیاست اصلی و محوری ما بود.» و آن‌ها از خود می‌پرسیدند دلیل ناکامی‌های عملیاتی‌های تهاجمی چه بوده است؛ «سوال «چه باید کرد؟» پیش روی ما بود و درک می‌کردیم و می‌فهمیدیم که شیوه‌ی جنگ باید تغییر کند.»



مهمی بود و ما با برادران ارتش در تمام امور هماهنگی داشتیم، اما در بحث طرح‌ریزی، جداگانه عمل می‌کردیم. تیمی را آقای رضایی آماده کرده بود که من و شهید باقری و آقا رحیم و آقای عزیز جعفری و آقای غلامپور بودیم و یک تیم هم شهید صیاد شیرازی آماده کرده بود شامل: امیر موسوی قویدل، امیر شاهان، امیر معین وزیری، امیر بختیاری، امیر مفید و امیر نوایی که با هم کار می‌کردند و نزدیک ۲۰ روز طول کشید. بعد اعضای دو تیم می‌آمدند در یک جای مشترکی در فرارگاه مرکزی پیش آقای رضایی و شهید صیاد شیرازی توضیح می‌دادند.»

علی صیاد شیرازی و حسن باقری. صیاد شیرازی توانسته بود هماهنگی خوبی میان فرماندهان ارتشی و سپاهی به وجود بیاورد.



حضور هاشمی رفسنجانی در جمع فرماندهان سپاه، زمستان ۶۰، پادگان گلف اهواز. محسن رضایی، رحیم صفوی و غلامعلی رشید در تصویر حضور دارند. در آن روزها هنوز اختلافات جدی و سخت میان نظرات فرماندهان وجود نداشت.

نقطه‌قوت ما، فرماندهان و رزمندگان ما بودند. انسان‌هایی صادق، باایمان و با دل‌ها و روح‌های بزرگ، شجاع، با تدبیر، هوشمند و به خدا امیدوار. من شهادت می‌دهم واللہ فرماندهان ما نه ماجراجو بودند و نه توهم داشتند و نه این‌که بدون کار و بررسی و طراحی و شناسایی عمیق و بحث‌های فراوان و تفکر، همین‌طوری، خشک و خالی توکل بر خدا کنند. اگر فرصت باشد من سیر کار را شرح بدهم، معلوم می‌شود. برای این دو عملیات فتح‌المبین و بیت‌المقدس ماه‌ها کار صورت گرفت چون دشمن هیچ کمبودی نداشت و همه‌ی تجهیزات را داشت و ما فکر می‌کردیم حمله به دشمن خیلی دشوار و سخت است. اولین جلسه را با برادران ارتش در تاریخ ۶/۱/۸۰ گرفتیم، بعد از عملیات فتح‌المبین و بلافاصله آماده شدیم برای عملیات بعدی. من حساب کردم حداقل ۲۰۰ نفر روزی ۱۵ ساعت کار در حدود یک ماه می‌کردند. این را حساب کنیم، کار بسیار سنگین بود. وسعتی که ما می‌خواستیم عملیات بکنیم ۳۰ برابر عملیات ثامن‌الائمه، ۱۰ برابر عملیات طریق‌القدس و بیش از نیمی از سرزمین لبنان بود. ما حدود شش‌هزار کیلومتر مربع عملیات

کردیم و شما از هر جایی که می‌خواستید عملیات بکنید باید از رودخانه عبور کنید. در شمال، رودخانه‌ی کرخه و در شرق، رودخانه‌ی کارون و در جنوب، رودخانه‌ی اروندر بود و آن طرف هم هورالهویزه بود. یعنی محصور بود بین این آب‌ها و به مدت ۲۲ ماه زمان در اختیار دشمن بود و در حد کافی میدان مین و استحکامات و سنگر درست کرده بود و این موانع طبیعی هم موانع غیر قابل عبور بودند و ما باید از تمام موانع طبیعی و مصنوعی عبور می‌کردیم. طرح‌ریزی عملیات، یک کار بسیار

ارتش نبودند و خیلی از فرماندهان دیگر.» او در توضیح این تفکر خلاق می‌گوید: «صحنه‌ی جنگ، صحنه‌ی رویارویی استراتژی‌ها و افکار و اراده‌ی فرماندهان است، یعنی تفکرات با هم می‌جنگند. در دو سوی صحنه‌ی نبرد علاوه بر تانک و توپ و هواپیما، نیروی انسانی و سرباز در یک طرف با نیروی کم و طرف دیگر با نیروی زیاد که این‌ها فیزیک جنگ است قرار دارد. تفکر در جنگ حرف اول را می‌زند. در کدام طرف جنگ تفکر برتری وجود دارد؟ تفکر خلاق وجود دارد؟ آن‌که استراتژی خلق می‌کند، راهبرد تعیین می‌کند، راهکار تعیین می‌کند. چگونگی جنگ را تفکر فرماندهان معلوم می‌کند. من دو سال پیش مصاحبه‌ای از یک فرمانده دیدم که گفته بود ما یک سال صبر کردیم تا توانستیم به دشمن نزدیک شویم و بعد مناطق اشغالی را آزاد کردیم. واقعاً مشکل ما همین بود. بعد که نزدیک شدیم، غلبه پیدا کردیم. ما که در سال اول و از روزهای اول به دشمن نزدیک بودیم و خط تماس ما برقرار بود. ما در همان سال اول در بعضی جاها تا ۱۰۰ متر با دشمن فاصله داشتیم. چرا آزادسازی انجام نشد؟ ما باید قبول کنیم که در سال دوم یک تحول انجام شد، یعنی در هر صحنه که فرماندهانی با ایمان‌تر و فکورتر و هوشمندتر باشند، می‌توانند به بهترین شکلی از امکانات استفاده کنند.»

تلاش سخت

غلامعلی رشید تفکر خلاق را حاصل کاری سخت و طاقت‌فرسا می‌داند؛ «کسی تصور نکند ما شرایط آسانی داشتیم، خیلی دشوار بود و در اضطراب بودیم. دشمن هیچ کمبودی به لحاظ نفرات و تجهیزات نداشت، احساس هم می‌کردیم حمله به این دشمن خیلی دشوار و سخت است و حتی احتمال شکست هم می‌دادیم.

بخشی از موانع مناطق عملیاتی در این تصویر دیده می‌شود. حجم موانع گاه بسیار عجیب و زیاد بود. ترکیبی از کانال، موانع مهندسی، تغییر زمین و میدان مین و خاکریزهای مسلح.

